

نمی‌توان آن را جمع کرد. ما درحال نزدیک شدن به این مرحله هستیم و این خطرناک است. معتقدم حاکمیت و نظام سیاسی این صدا را شنیده و این خطر را درک کرده است. به عبارت دیگر، این بار نمی‌توان روشنفکران را متهم کرد که غربی هستند و آنان را محدود کنید، این بار، ماجرا، ماجرای یک اکثریت بزرگ است. طبقه متوسط، محدود است و بخشی از آن در نظام بوروکراتیک قرار دارد، بنابراین می‌توان آن را کنترل کرد. اما بقیه جامعه چطور؟ آنان مستقل هستند. ضمن اینکه نیروهایی که آن را وصل و این بخش گسترده را توجیه می‌کنند، تنها از حاکمیت نیستند. به این ترتیب معتقدم حاکمیت به‌طور طبیعی به این دغدغه خواهد رسید که در سوگیری جامعه و به رسمیت شناختن نیروهای اجتماعی تغییر رفتار مهم انجام دهد. سومین نکته اینکه طبقه متوسط یک بازیگری جدید خواهد کرد، به این معنی که اتفاقات آبان ماه را معنادار خواهد کرد. طبقه متوسط در ماجرای دی ماه ۹۶ سکوت کرد، آن اتفاقات را توضیح نداد و پیش نرفت، اما اکنون موقعیتی است که وقایع اخیر را معنا کند تا بتواند بازی خود را تصحیح کند. چون در اتفاقات دی ماه ۹۶، خود طبقه متوسط متهم می‌شد، اما اکنون تا حدودی از او عبور کرده و طبقه متوسط مجبور است بازی طبقه پایین را معنا و توصیف و مختصات آن را تشریح کند. بنابراین این امر یک گام به جلو خواهد بود و برداشتن یک گام به جلو از سوی طبقه متوسط، امکان رادیکالیسم در عرصه سیاسی و ماندگاری امنیتی‌ها در عرصه سیاسی را تقلیل خواهد داد. به این معنی که بار دیگر شاهد درگیری بیشتر طبقه متوسط با جریان‌های رادیکال خواهیم بود که در این حالت، فضایی برای نقش کشیدن جامعه و بعد گامی برای جلوتر رفتن ایجاد می‌شود. وقتی این‌ها را با هم جمع می‌کنیم، بحث اصولگرایی و اصلاح‌طلبی جدید هم مطرح می‌شود. بنابراین در آینده نزدیک ما با صورت جدیدی از حوزه سیاسی مواجه خواهیم بود که قدری جوان است، دغدغه‌ها و شعارهای دیگری دارد و مسأله او زیست و زندگی است.

■ **اما برخی معتقدند اتفاق‌شدت و گستره درگیری‌ها و خشونت میان طرفین باعث شد که طبقه متوسط از این مهلکه فاصله بگیرد.**

حد نهایی خشونت همین است و بیش از این نخواهد شد. این اوج خشونتی بود که در ایران اتفاق افتاد، فراتر از آن، انقلاب است. معتقدم ما به‌سمت انقلاب نخواهیم رفت، زیرا خشونتی که در این وقایع دیده شد، اوج خودش بود و بیش از آن نخواهد رفت. این اوج خشونت به معنای تخلیه اعتراض انباشتی بود. آنکه به خیابان آمد می‌گوید «ما قدیم‌ها، حسایش را رسیدیم‌ها؟» بسیاری (در بیرون) تلاش کرده بودند این انرژی را برای روز دیگری نگه دارند، اما این انرژی تخلیه شد. از آن سو نیروهای امنیتی که به‌دلیل تهدیدات امریکا، یک سال در حال آماده باش به سر می‌بردند، اتفاقات آبان ماه باعث شد که انرژی آنان هم تخلیه شد، آنان هم خسته شدند و خستگی درخواهند کرد. این درست ماند. اتفاقی است که بعد از جنگ رخ داد. به این معنی که ما بعد از جنگ وارد فرآیند

دموکراسی شدیم. در جنگ هم ۸ سال نیروهای ما ایستاده بودند، اما جنگ که تمام شد همه وارد فرآیند سازندگی و دموکراسی خواهی شدیم.

■ **بنابراین شما تغییراتی را که پس از اعتراضات آبان ماه در کشور رخ خواهد داد، با چرخش به بازار آزاد و غرب، پس از سال ۶۸ برابر و متناظر می‌دانید؟**

این اتفاق خواهد افتاد. دغدغه بعدی ما ساماندهی مناسبات با جهان پیرامونی و غرب است، مجبوریم که این مسأله را سامان دهیم، چراکه جامعه این را طلب خواهد کرد و حوزه سیاسی نیز به این سمت خواهد رفت. بحث دیگر ساماندهی زندگی مردم است؛ یعنی اکثریتی که می‌خواهند زندگی کنند. در دوران جنگ، اکثریتی تلاش کردند جهان را عوض کنند، اما وقتی آن ایده‌های کلان در جنگ شکست خورد، برخورد آنان عقلانی شد و پس از بازگشت از جنگ، بسیاری از کسانی که در حوزه نظامی بودند، سرمایه‌گذار شدند. در دوره جدید هم ما وارد یک عرصه دیگری خواهیم شد. البته این امر الزاماتی هم دارد. یکی از الزامات این است که شاکله کلان جمهوری اسلامی باقی بماند، دوم اینکه امکان بازی از دست طبقه متوسط گرفته نشود. اگر در آینده اتفاقات دیگری بروز کند، ممکن است حوزه سخت قدرت طبقه متوسط را تنبیه کند، اما اگر این اتفاق نیفتد، طبقه متوسط وارد عرصه ساماندهی جامعه و سیاست خواهد شد. طبقه متوسط نمی‌خواهد به یک ویرانگری برسد و آنچه به دست آورده را از دست بدهد، بلکه می‌خواهد آنچه را دارد با طبقه پایین به اشتراک بگذارد.

■ **اما به‌دلیل شرایط اقتصادی سال‌های اخیر، بخش زیادی از طبقه متوسط ریزش کرده و به طبقه پایین پیوسته است؟**

به‌لحاظ اقتصادی ممکن است، اما به‌لحاظ فرهنگی و عایبق اجتماعی این‌طور نیست. همچنان در آمل و آرزوهای زندگی شهری نسبتاً مرفه، زیست می‌کنند، به‌همین دلیل است که نگه داشته شد، اگر غیر این بود، می‌بایست انقلاب به معنای انقلاب پابرهنگه‌ها و شعارهای می‌افتاد، یا همان که کارل مارکس در تئوری خود گفته است. بنابراین ممکن است به‌لحاظ اقتصادی جابه‌جا شده باشند، یعنی جیب‌شان خالی شده باشد، اما مغزشان خالی نیست و آمل و آرزوی آنان سرچای خودش است. به‌همین دلیل هنوز آن تلاش‌ها را دنبال می‌کنند، هنوز به شهرها می‌آیند، هنوز جابه‌جا می‌شوند، هنوز در مسابقه خرید و فروش شرکت می‌کنند تا منفعتی کسب کنند. به‌نظر من در آینده ایران، اگر ما با امریکا وارد جنگ نشویم یا در ادامه، اگر به‌طبقه متوسط هم حمله‌ای نشود، حاکمان وارد عرصه به‌خاک‌نخواهی خواهند شد. حاکمان قانون خواهی را اعلام خواهند کرد و به‌دنبال آن، جامعه مدنی هم مشارکت اجتماعی را طلب خواهد کرد. این دو در جایی به هم وصل خواهند شد و معنای تازه‌ای از نظام اجتماعی متولد خواهد شد. زیرا احیای قانون یعنی عبور از مسأله‌ای به‌نام اطاعت از قدرت، یعنی اکثریت نظام سیاسی که تا پیش از این، فقط اطاعت را طلب می‌کرد، زین پس قانون را مطرح خواهند کرد. از سوی دیگر جامعه هم خواهد گفت که حق من مشارکت یا

مالکیت بود، چه شد؟ این دو حوزه در امر قانون به یکدیگر وصل خواهند شد، اینجا است که معتقدم ما شاهد تعبیر جدیدی در جمهوری اسلامی خواهیم بود.

■ **آصف بیات در کتاب «تهیدستان شهری» گروه‌هایی را توصیف می‌کند که ویژگی ایدئولوژیک یا سیاسی ندارند و دغدغه آنان تنها معیشت و اصل بقا است. اما به‌نظر می‌رسد در اعتراضات اخیر ما شاهد فعالیتهای جوانان و گروه‌هایی بودیم که گرچه تهدیدست بودند، اما مسأله‌شان بقا نبود، جوانان تحصیلکرده‌ای بودند که به‌دلیل نبود زمینه اقتصادی، در کارهای دم دستی و کوچک مشغول به کار شده بودند، مانند موبایل فروشی، رانندگی اسنپ و تسبی، یعنی نیروهایی که توان ساختن زندگی داشتند، اما فرصت ساختن به آنان داده نشد. دیدگاه شما چیست؟**

کسانی که در این اعتراضات صورت خود را پوشانده بودند، آگاه هستند و معنای کنش سیاسی را می‌فهمند. می‌دانند اگر شناسایی شوند، باید چه هزینه‌ای بدهند، اما می‌خواهند خود را بروز دهند. اما این‌ها چه کسانی هستند؟ این‌ها آماده عمل بودند، کسانی که ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و آگاهی‌هایی دارند و می‌دانند که نقاط ضعف سیستم کجا است. این بسیار مهم است که آنان در خیابان به افراد عادی حمله نکرند، اما سعی کردند به جاهایی حمله کنند که بیشتر معنای یک پیام خاص را دارد. اما این اعتراضات در مناطقی رخ داد که افراد دارای توانایی هستند، اما ما به آنان اجازه فعالیت و اجازه کار ندادیم، وام ندادیم یا زندگی ندادیم یا آنان را بد راهنمایی کردیم، درحالی که آمدند درس خواندند و وقت‌شان هم تلف شد.

■ **به‌لحاظ طبقاتی چطور می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد؟**

آنان اغلب از لایه پایین طبقه متوسط و لایه بالایی طبقه پایین بودند. نیروهای پایین طبقه پایین نبودند، کسانی هستند که درکی از آرزوهای طبقه متوسط دارند، اما به لحاظ اقتصادی جزو طبقه پایین هستند. آنان در میان طبقه متوسط و طبقه پایین عمل می‌کنند، ضمن اینکه بازی ساز و بازیگر هستند و از این زاویه، خطرناک هم هستند. اما آن بخشی که بازی سیاسی پیدا نکرده و مدنی نیست، می‌شود لمبن یا آشوبگر که ویران می‌کند و آتش می‌زند.

■ **بنابراین می‌توان گفت اغلب معترضان که جوانان تا ۲۵ ساله هستند، کسانی هستند که از سوی نهادهای آموزشی تربیت شدند، اما نهادهای اقتصادی توانایی جذب آنان را نداشتند؟**

این‌ها محصول دو چیز هستند؛ یکی محصول نظام آموزشی ایران. من پیشتر از جنبش اعتراضی تحصیلکردگان بیکار یاد کرده بودم. این مسأله اکنون خودش را تشدید کرده و تیز ففردایی را البته نه به شکل مدنی، بلکه به شکل خشونت آمیز. این امر به گفتمان نظام سیاسی یا گفتمان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی باز می‌گردد. اصلاح‌طلبی اخیراً به گفتمان چپ میل کرده و تیز فقرزدایی را پیش گرفته است، درحالی که اصولگرایی سال‌ها بر این تیز سوار بود. امروز جامعه آماده عمل است، یعنی خود ما جامعه را آماده عمل کردیم، اما نتوانستیم از آن استفاده کنیم. حزب وجود نداشت که آنان را مدیریت کند و سامان دهد.

به‌همین دلیل عرصه عمومی اقدام کرد، یعنی بنزین‌کلیش را زد. بنزین ماده مشتعلی بود که جامعه را آتش زد. هم گفتمان سیاسی مسلط که دارد حذف می‌کند و می‌خواهد بگوید دولت، غربی، منفعت طلب و بورژوا است، هم بخشی از اصلاح‌طلبی که دارد خودش را نقد می‌کند، این دو، ادبیات ایدئولوژیکی ساخته‌اند. در این شرایط، چه کسی این را به عهده بگیرد و با آن بازی کند؟ کلیت طبقه پایین که نمی‌تواند. پس این نیروی فی مابین طبقه متوسط و طبقه پایین جامعه، یا همین جمعیت دارای دانش و آگاهی و مرتبط با فضای مجازی است که بازیگری کرد، یعنی به نوعی فرصت طلبی کرد و زود ماجرا را به پایان رساند.

■ **بنابراین اگر عناصر مدنی و ساحت نهادی جامعه قوی بود، ما تا این اندازه هزینه نمی‌دادیم؟**

طبیعی است، زیرا در این صورت افراد به میدان می‌آمدند، اما به‌صورت مدنی. یعنی اگر به طبقه متوسط میدان داده بودیم، این طبقه حزب ایجاد می‌کرد، یا اجتماعات بزرگ را مدیریت می‌کرد، آدم‌ها هم می‌آمدند، داد می‌زدند و می‌رفتند. اما وقتی به فعالیت‌های طبقه

وجود داشته باشد که آدم‌ها در آن جا تخلیه شده و اعتراض کرده باشند. چون این زمینه‌ها نیست، اعتراضات انباشت می‌شود. بنابراین اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد این مسائل را حل کند، باید روی شهرهای خود سیاستگذاری جدیدی داشته باشد. ما باید به‌معنا و مفهوم جدیدی از زندگی در شهر و الزامات آن دست پیدا کنیم. جامعه شناسی ایران هم باید از شهر و زیست شهری دفاع کند. زیرا وقتی فرد به محل زندگی خود تعلقی پیدا نمی‌کند، آتش زدن هم برای او حرجی ندارد.

■ **باوجود اتفاقات دی ماه ۹۶ و اکنون آبان ۹۸، چرا حوزه سیاسی در سیاستگذاری خود برای حل مسائل اقتصادی هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند؟**

ایدئولوژی صاحب دارد و باید گفتمان آن را تکرار کرد، نه اینکه برای بقای آن کنشی انجام داد، اما می‌بینیم که مسئولیت‌پذیری وجود ندارد. همه آدم‌ها یک مطلب را تکرار می‌کنند، اما از دل آن سیاست در نمی‌آید. در جمهوری اسلامی، حد واسط میان ساحت ایدئولوژیک و ساحت مدنی، نیرو نداریم. همه آدم‌های در سطح کارشناسی، سند

اگر به طبقه متوسط میدان داده بودیم، حزب ایجاد می‌کرد،

یا اجتماعات بزرگ را مدیریت می‌کرد، آدم‌ها هم می‌آمدند،

داد می‌زدند و می‌رفتند. اما وقتی به فعالیت‌های طبقه متوسط

مشروعیت نمی‌دهیم، این اعتراضات انباشت می‌شود. در غیاب

این امر، همواره پوپولیسم تولید کردیم، اما توجه نداشتیم که این

پوپولیسم در یک جایی به خودمان آسیب می‌زند. اگر ساحت

نهادی و مدنی تقویت می‌شد، احتمالاً در تظاهرات خانواده‌ها به هم می‌آمدند و در این صورت تخریب نمی‌کردند. رهاشدگی که ما ایجاد کردیم، ناشی از همان پوپولیسمی است که سال‌ها به آن دامن زدیم و در عین حال مجال گسترش نهادهای مدنی را فراهم نکردیم

متوسط مشروعیت نمی‌دهیم، طبیعی است که این اعتراضات انباشت می‌شود. در غیاب این امر، همواره پوپولیسم تولید کردیم، اما توجه نداشتیم که این پوپولیسم در یک جایی به خودمان بازمی‌گردد و به خودمان آسیب می‌زند. اگر ساحت نهادی و مدنی تقویت می‌شد، احتمالاً در تظاهرات خانواده‌ها با هم می‌آمدند، نه اینکه جوانان به‌صورت مستقل بیایند، یا در حرکت‌های این طوری با آدم‌های ذی نفوذ محلی می‌آمدند و در این صورت تخریب نمی‌کردند. رهاشدگی که ما ایجاد کردیم، ناشی از همان پوپولیسمی است که سال‌ها به آن دامن زدیم و در عین حال مجال گسترش نهادهای مدنی را فراهم نکردیم. در شهرهایی شاهد این اتفاقات بودیم که نهادهای مدنی اصلاً وجود ندارند، شهرهای تازه تأسیس شده‌ای که به لحاظ مدنی تهی هستند. صدرا، در شیراز یک شهر تهی است، یک جامعه بازنشده سنتی که همه کنار هم قرار گرفتند و تنها چند نهاد دولتی یا شهری وجود دارد. به‌همین دلیل این تخریب‌ها در قم، کاشان یا قزوین اتفاق نیفتاد، در بمبهم اتفاق افتاد، یعنی شهرهایی که گری و گذرگاه هستند، حزب بدون کنه‌ای که کسی را کنترل کند یا اینکه نهاد مدنی

درآمد داشته باشد که آدم‌ها در آن جا تخلیه شده و اعتراض کرده باشند. چون این زمینه‌ها نیست، اعتراضات انباشت می‌شود. بنابراین اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد این مسائل را حل کند، باید روی شهرهای خود سیاستگذاری جدیدی داشته باشد. ما باید به‌معنا و مفهوم جدیدی از زندگی در شهر و الزامات آن دست پیدا کنیم. جامعه شناسی ایران هم باید از شهر و زیست شهری دفاع کند. زیرا وقتی فرد به محل زندگی خود تعلقی پیدا نمی‌کند، آتش زدن هم برای او حرجی ندارد.

■ **باوجود اتفاقات دی ماه ۹۶ و اکنون آبان ۹۸، چرا حوزه سیاسی در سیاستگذاری خود برای حل مسائل اقتصادی هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند؟**

ایدئولوژی صاحب دارد و باید گفتمان آن را تکرار کرد، نه اینکه برای بقای آن کنشی انجام داد، اما می‌بینیم که مسئولیت‌پذیری وجود ندارد. همه آدم‌ها یک مطلب را تکرار می‌کنند، اما از دل آن سیاست در نمی‌آید. در جمهوری اسلامی، حد واسط میان ساحت ایدئولوژیک و ساحت مدنی، نیرو نداریم. همه آدم‌های در سطح کارشناسی، سند

اگر به طبقه متوسط میدان داده بودیم، حزب ایجاد می‌کرد،

یا اجتماعات بزرگ را مدیریت می‌کرد، آدم‌ها هم می‌آمدند،

داد می‌زدند و می‌رفتند. اما وقتی به فعالیت‌های طبقه متوسط

مشروعیت نمی‌دهیم، این اعتراضات انباشت می‌شود. در غیاب

این امر، همواره پوپولیسم تولید کردیم، اما توجه نداشتیم که این

پوپولیسم در یک جایی به خودمان آسیب می‌زند. اگر ساحت

نهادی و مدنی تقویت می‌شد، احتمالاً در تظاهرات خانواده‌ها به هم

می‌آمدند و در این صورت تخریب نمی‌کردند. رهاشدگی که ما ایجاد

کردیم، ناشی از همان پوپولیسمی است که سال‌ها به آن دامن زدیم

و در عین حال مجال گسترش نهادهای مدنی را فراهم نکردیم

عکس: امیرحسین رافعیان/ایران

گرفت. اما این دودر آینده، کم‌جان و غیرمشروع می‌شوند، مدتی بعد، بار دیگر امکان فضا و ظرفیت بازی برای کسانی که قانونمداری و مدنیت تولید کنند، به وجود خواهد آمد. ماجرای دی ماه یا آبان ماه، ماجرای مشابه تولید نخواهد کرد. به نظر من اتفاقات آبان ماه از خودش عبور می‌کند.

■ **اما شواهد حاکی است که حوزه قدرت، تغییری ایجاد نخواهد کرد، حتی پس از اعتراضات آبان ماه که دو سال بعد از اتفاقات دی ماه ۹۶ رخ داد.**

البته اتفاقات اخیر چند نتیجه دارد؛ نخست اینکه وقتی نیروی امنیتی وارد میدان می‌شود، خود و کل نظام سیاسی را بازیبنی می‌کند. اینکه گفتید امکانی برای تغییر رفتار وجود ندارد، درحالی است که این نیروی امنیتی، احتمالاً دغدغه تغییر در رفتار سیاسی ایجاد خواهد کرد، به این سادگی کوتاه نمی‌آید و باز نمی‌گردد. دوم اینکه شوک بسیار بزرگی در نظام سیاسی افتاد. برخلاف ماجرای دی ماه ۹۶ اغلب معترضان آدم‌های ندار و فرودستان هستند. بنابراین باید تکلیف خود را با آنان معلوم کنیم. در بحث‌های قبلی می‌گفتم که جنبش دموکراتیک در ایران با بازیگری طبقه متوسط، اگر به سمت طبقه پایین سوگیری کند، دیگر

در کردن حرفیان استفاده می‌کنند. در واقع حدس نگارنده این است که برخی از آنها به عنوان مزدور عمل می‌کنند. یعنی لزوماً تعلق فکری به گروه منافقین ندارند بلکه درازای دریافت پول، مقاله را به شیوه دلخواه منافقین تغییر می‌دهند. خالی از لطف نیست اگر بگویم در میان کاربرانی که به نفع منافقین قلم می‌زنند، یک کاربر باسابقه اسرائیلی هم مشاهده شد. بحث در مورد اینکه اسرائیل چقدر روی ویکیپدیا سرمایه‌گذاری کرده است، خود یک بحث جداگانه می‌طلبد. اگر به اختصار بگویم که حضور آنها کاملاً در ویکیپدیا ملموس است.

در ابتدای کار جنگ تقریباً یک طرفه بود. یعنی آنها همین‌طور پیشروی می‌کردند و ما عقب‌نشینی. مدتی طول کشید تا با اوضاع جدید وفق بگیریم. کار در ویکیپدیا به گونه‌ای است که شما باید اولاً صبر و حوصله داشته باشید. ثانیاً باید خوب فکر کنید تا در بحث‌ها با کمک استدلال حرفتان را به کرسی بنشانید.

محیطی (فیزیکی یا مجازی) بگیرند. نکته دوم اینکه وقتی در یک جبهه با داوران بین‌المللی درگیر هستید شما مجبورید به زبان همان داوران صحبت کنید.

این بدان معناست که برای پیاده کردن آرمانها و اعتقادات خود لازم است از روشهای نوین استفاده کنید. از ملزومات روشهای نوین این است که بعضی وقتها اعتقادات خود را در دل مخفی کنید و آنها را فریاد نزنید. در عوض به روش دیپلماسی و قوانین بین‌المللی عمل نمایید و زبانی نرم داشته باشید.

پس نوشت: من متن نامه روسی را در این آدرس برای شما مشاهده عموم بارگذاری نموده‌ام

https://drive.google.com/file/1ZBdtFgUxbWbXisF6KeIZnA/dbnTArWJhqn/view

برای دریافت ترجمه فارسی نامه‌ها می‌توانید به اینجانب ایمیل بزنید: j.kazemitabar@nit.ac.ir